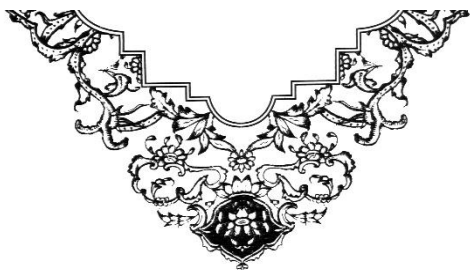


نمایشنامه

«یک لقمه نان»



سرشناسه	: اونیل، یوجین، ۱۸۸۸ - ۱۹۵۳ م.
	O'Neill, Eugene
عنوان و نام پدیدآور	: یک لقمه نان/ اثر یوجین اونیل ؛ مترجم محمدرضا حسن‌زاده جوانیان ؛
مشخصات نشر	: تهران : آماره ، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: ۱۹۸ ص.
شابک	: 978-622-7326-59-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Bread and butter, a play in four acts, 1914
موضوع	: نمایشنامه آمریکایی -- قرن ۲۰ م. American drama -- 20th century
شناسه افزوده	: حسن‌زاده جوانیان، محمدرضا، ۱۳۶۷ -، مترجم
رده‌بندی کنگره	: PS۳۵۰۳
رده‌بندی دیویی	: ۸۱۲/۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۱۲۲۷۴

نمایشنامه

«یک لقمه نان»

اثر یوجین اونیل

مترجم: محمدرضا حسن زاده جوانیان



نشرآماره

©Nashre Amareh, MMXXIV



نشرآماره

عنوانِ نمایشنامه: یک لقمه نان

نویسنده: یوجین اونیل

ترجمه: محمدرضا حسن‌زاده جوانیان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۲۶-۵۹-۸

نوبت چاپ: اول، سال چاپ: ۱۴۰۲

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

هرگونه کپی‌برداری، اسکن و میکروفیلم، برداشت آزاد، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشر آماره یا مترجم ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و

مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد.

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است.

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای

خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۹۱۲۷۹۶۹۱۴۶

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب‌سایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

قیمت: ۱۲۰ هزار تومان

یادداشت ناشر

ادبیات نمایشی در هر دوره تاریخی و در هر کجای جهان به عنوان اساس هنر نمایش و وجهه‌ای از فرهنگ و هنر حاکم بر هر جامعه، همواره متأثر از جریانات و عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی هر سرزمین بوده است، به این جهت پیشینه هر ملت و تاریخ او یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی روند کلی هنر نمایشنامه‌نویسی محسوب می‌شود.

نمایش، قطعه‌ی هنری زنده‌ای است که نمایشنامه، شالوده‌ی اصلی آن است. متن نمایش، از مؤلفه‌های بسیاری همچون طرح داستانی، زمان و مکان، شخصیت، موسیقی، فضا و حرکت، کنش و... تشکیل یافته است که از طریق دیالوگ، حرکات و توضیحات صحنه به مخاطب ابلاغ می‌شود. نویسندگان در ارتباط مستقیم با روابط فرهنگی و اجتماعی زمانه خویش، همزمان با وقایع روز به خلق آثار می‌پردازند؛ و آثار ادبیات نمایشی در هر دوره از تاریخ، آینه تمام نمای اتفاقات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی همان عصر است.

انسان زاده ناآرامی‌ها و طوفان حوادث، همواره در جستجوی آرامش، نیازی تازه می‌آفریند. در ادوار پیشین، در اندرون غارهای تاریک، برای کسب تأثیر جادویی حیات، نقوش زنده طبیعت را بر دیواره‌های سنگی، نقش می‌زند و شبانگاه به گرد آتش دانایی، برای هم‌نشینان و هم‌پایه‌های خود حوادث روزانه

را با اشکال تن و روان خویش بازگو می‌کند. قطعاً نگاه‌های گرم و آرامش‌بخش مخاطبین او را حریص‌تر و مطمئن‌تر می‌سازد. انسان وقتی فهمید که بانمایش توانسته ارتباط و لحظه‌های ناب‌ی را تجربه کند تصمیم گرفت کشف‌های جدیدتری داشته باشد. پس بشر برای حفظ مخاطب و تعریف قصه و ماجراهای ماندگار دست به آفرینش زد و بن‌مایه اصلی نمایش یعنی همان نمایشنامه متولد شد.

انسان کمی جلوتر، در میان آهن‌پاره‌های جامعه صنعتی، تنها، ناآرام، پوچ و بدون هیچ هویت انسانی، به انتظار پایان می‌نشیند و دوباره هنر او را نجات می‌دهد. آن زمان که دردها و رنج‌های خود را در نمایشنامه‌ها روی صحنه می‌بیند و این آغاز تولدی دوباره است.

بشر یاد می‌گیرد که هنر را نه در خدمت زندگی، بلکه هدف زندگی قرار دهد. انسانی که دیوانه‌وار به دنبال پیشرفت و تکنیک بود حالا استعداد عاطفی و انسانی خود را دوباره پیدا کرده بود و این اکتشاف در متن جنگ‌های جهانی، هراس مرگ، غربت، گرسنگی و... هم پایانی نداشت و در چهارچوب سخت روزگار فریاد مظلومانی شد که سقف فلزی و سرد گلوله‌ها، موشک‌ها و تانک‌ها لحظه‌های آن‌ها را پر از تراژدی‌های خونبار کرده بود.

و حالا بشر بعد از گذشت قرن‌ها در پی بیداری انسانیت خفته، در پی حفظ نیازهای عاطفی جمعی و سرگرمی به این

هنر پناهنده شده است و می‌داند که تنها راه نجات همین است:
از خود تا دیگری گستردن!

هومن بنائی
دبیر بخش ادبیات نمایشی و
داستانی

تقدیم به همسر؛ مرضیه
با احترام، عشق و اشتیاق

::

محمد رضا

مقدمه

دوم فوریه ۱۹۲۰، نیویورک. جیمز اونیل در حالی که اشک‌های خود را پاک می‌کند از سالن تئاتر موروسکو^۱ خارج می‌شود و بیش از هر زمان دیگری به پسر جوانش، یوجین، افتخار می‌کند. در آن بعدازظهر سرد در شهری که گرفتار اپیدمی کشنده آنفولانزا بود، یوجین اونیل توانست با اجرای *آن سوی افق*^۲ تحسین تماشاگران و منتقدان را برانگیزد. *آن سوی افق* با ۱۴۴ اجرا رکورد خارق‌العاده‌ای را در برداوی ثبت کرد و اولین جایزه پولیتز اونیل را برایش به ارمغان آورد.

اونیل نویدبخش ظهور نمایشنامه‌نویسی در سطح ایسن، استریندبرگ و چخوف بود؛ نمایشنامه‌نویسی که طبق پیش‌بینی یکی از منتقدان آن زمان «روزی خواهد رسید که تئاتر جهان از مسیر خانه او عبور خواهد کرد.»^۳ و این اتفاق رخ داد. اونیل در سال ۱۹۳۶ جایزه نوبل ادبیات را به دست آورد و تبدیل به تنها نمایشنامه‌نویس آمریکایی شد که تا به امروز توانسته این جایزه را کسب کند. اما مسیر او به سمت تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین نمایشنامه‌نویسان جهان به هیچ‌وجه مسیر همواری نبود. چند هفته پس از اجرای موفق *آن سوی افق*، پدر اونیل که

1. Morosco Theatre

2. Beyond the Horizon

3. Manheim, Michael (ed.). *The Cambridge Companion to Eugene O'Neill*. Cambridge UP, 1998.

خودش از بازیگران شناخته شده نمایشنامه های شکسپیر در آمریکا بود دچار حمله قلبی و سپس سرطان روده شد. اونیل پدر خود را در همان سال از دست داد اما این اتفاق ناگوار او را بیش از گذشته برای پیوند دادن تئاتر با تراژدی های دنیای پیرامونش مصمم کرد. او نمایشنامه *آنا کریستی*^۱ را در کمتر از شش هفته نوشت. یکی دو روز بعد نوشتن *امپراطور جونز*^۲ را شروع کرد و در کمتر از دو هفته آن را به پایان رساند؛ نمایشی که به همراه *گوریل پشمالو*^۳ جزو بهترین نمونه های تئاتر اکسپرسیونیستی در نیمه اول قرن بیستم به حساب می آید.

تراژدی های زندگی اونیل اما تمامی نداشت. یک سال و نیم بعد از مرگ پدرش، مادرش دچار عارضه تومور مغزی شد و از دنیا رفت. یک سال و هشت ماه بعد هم برادر بزرگ ترش که یوجین علاقه شدیدی به او داشت خودکشی کرد. ظرف سی و نه ماه، اونیل تمام اعضای خانواده اش را از دست داد.

این زنجیره از اتفاقات غم انگیز بر ویژگی ها، درون مایه ها و شخصیت های تمام آثار اونیل پس از این دوره تأثیر مستقیمی داشت. پس از سال ۱۹۲۰ تقریباً تمام نمایشنامه های او به صورت مستقیم یا غیرمستقیم درباره

1. Anna Christie
2. The Emperor Jones
3. The Hairy Ape

مرگ و سوگواری هستند و کشمکش شخصیت‌هایی را به تصویر می‌کشند که می‌کوشند از فکر عزیزانی که از دست داده‌اند خلاص شوند و به زندگی عادی بازگردند. بیش از دو دهه، نوشتن برای اونیل به وسیله‌ای برای سوگواری تبدیل شد. به همین دلیل است که در بسیاری از کارهای او می‌توان اشاراتی به زندگی خانوادگی‌اش را یافت. اوج این اشارات در نمایشنامه *سفر طولانی روز به شب*^۱ به چشم می‌خورد، اثری که بسیاری آن را شاهکار این نویسنده آمریکایی می‌دانند. به تصویر کشیدن رنج‌های زندگی شخصی آنقدر برای اونیل دردناک بود که اجازه نداد این اثر در زمان حیات خودش چاپ یا اجرا شود. او حتی وصیت کرد که تا ۲۵ سال پس از مرگش کسی به سراغ این نمایشنامه نرود. البته سه سال پس از مرگ اونیل، همسرش که مالکیت معنوی آثار او را در اختیار داشت اجازه چاپ نمایشنامه را داد.

تونی کوشنر^۲، نمایشنامه‌نویس و فیلمنامه‌نویس مشهور آمریکایی درباره اونیل می‌گوید: «من دیوانه اونیل هستم. او برای من و دیگر نمایشنامه‌نویسان، یک منبع بی‌نظیر است. قبل از اونیل، تئاتر آمریکا حرفی جدی برای گفتن نداشت. او بود که به تئاتر آمریکا موجودیت بخشید. اونیل

1. Long Day's Journey into Night

2. Tony Kushner

پدر نمایشنامه‌نویسی آمریکا است.^۱ «کمتر منتقدی را می‌توان یافت که با کوشش موافق نباشد. بنابراین یک لقمه نان»^۲ [۱۹۱۴] را که اولین اثر اونیل به حساب می‌آید می‌توان اولین اثر مهم در تاریخ نمایشنامه‌نویسی آمریکا به حساب آورد. بسیاری از موضوعات و مفاهیم کلیدی این نمایشنامه در آثار بعدی اونیل به ویژه پیش از صبحانه^۳ و سفر طولانی روز به شب نیز به چشم می‌خورد. این کار برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ در نیویورک به روی صحنه رفت.

آلن بدیو^۴، فیلسوف فرانسوی، تئاتر را یک «رویداد» می‌داند که در زمان حال و روی صحنه اتفاق می‌افتد. بدیو معتقد است که تئاتر به دلیل شکل منحصر به فردش توانایی تولید ایده دارد. او می‌گوید: «تئاتر رویدادی برای خلق تفکر است که در آن تماشاگر در یک مواجهه زیباشناسانه و منحصر به فرد با زمان حال قرار می‌گیرد.»^۵ بنا به این تعریف، آیا آثار اونیل هنوز هم می‌توانند رویدادی برای ایجاد تفکر باشند؟ آیا تماشاگری که برای دیدن اثری از اونیل به سالن نمایش می‌رود در مواجهه‌ای زیباشناسانه با

1. Dowling, Robert. *Eugene O'Neill: A Life in Four Acts*. Yale UP, 2014.

2. Bread and Butter

3. Before Breakfast

4. Alain Badiou

5. Puchner, Martin. «The Theatre of Alain Badiou.» *Theatre Research International*, vol. 34, no. 3, pp256-266.

زمان حال قرار می‌گیرد؟ بدون شک پاسخ به این سؤالات به‌هیچ‌وجه کار ساده‌ای نیست اما شاید خواندن نظرات منتقدان حرفه‌ای تئاتر قدری به ما کمک کند. الکسیس سولوسکی، منتقد گاردین، پس از تماشای اقتباسی از *مرد یخی می‌آید*^۱ در سال ۲۰۱۵ می‌نویسد: «اگر می‌خواهید این برداشت از نمایش اونیل را ببینید انتظار نداشته باشید که اثر سحرآمیز آن تا مدت‌ها از ذهن شما پاک شود.»^۲ مایکل بیلینگتون یکی دیگر از منتقدان تئاتر گاردین پس از دیدن اجرایی از *آنا کریستی* در لندن در سال ۲۰۱۱ به کارگردانی راب اشفورد با تمجید از آن به عنوان اقتباسی برجسته می‌نویسد: «اشفورد به خوبی توانسته بین تنش درونی بازیگران و تلاطم دریا ارتباط به وجود آورد و تصویری فراموش‌نشده‌ای از اثر اونیل را در ذهن تماشاگر خلق کند.»^۳ شخصیت‌های نمایشنامه‌های اونیل به راحتی از بعد زمان و مکان خارج می‌شوند و تبدیل به افرادی می‌گردند که پیدا کردن آن‌ها در محیط پیرامون خودمان اصلاً و ابداً کار سختی نیست. یک لقمه نان نیز از این قاعده مُستثنا نیست. شخصیت‌های این نمایش‌نامه ارتباطی جدی با زندگی معاصر ما دارند.

1. The Iceman Cometh

2. <https://www.theguardian.com/stage/2015/feb/13/the-iceman-cometh-review-near-perfect-eugene-oneill>

3. <https://www.theguardian.com/stage/2011/aug/09/anna-christie-review>

به دلیل احترام فوق‌العاده زیادی که برای آثار ادبی قائل هستم در انتخاب تک‌تک واژگان و سواص و دقت بسیاری به خرج داده‌ام و سعی کرده‌ام حال و هوای متن اصلی را به بهترین شکل منتقل کنم. در مورد عنوان، فکر می‌کنم که عبارت «یک لقمه نان» معنا و مفهوم و البته حس عبارت انگلیسی Bread and Butter در این اثر را به دقیق‌ترین شکل به خواننده انتقال دهد. امیدوارم اینگونه باشد ...

محمد رضا حسن زاده جوانیان

پاییز ۱۴۰۰

شخصیت‌ها

ادوارد براون، صاحب یک ابزارفروشی در بریجتون،

کانکتیکات

خانم براون، همسرش

ادوارد، پسرشان، عضو شورای شهر

هری، پسرشان

جان، پسرشان

مری، دخترشان، معلم مدرسه

بسی، دخترشان، تندنویس^۱

ریچارد استیل، تاجر خواروبار در بریجتون

ماود^۲، دخترش

استیو هرینگتون، دانشجوی هنر

"پیب" کارتر، دانشجوی هنر

تد نلسون، نویسنده

یوجین گرامون، استاد دانشکده هنر

هلن، مدل نقاشی

۱. Stenographer: امروزه به فردی که این کار را انجام می‌دهد، تایپیست

گفته می‌شود.

پرده اول.

اتاق نشیمن خانه ادوارد براون در بریجتون، کانکتیکات،
یک بعدازظهر گرم در ماه اوت. امروز

پرده دوم.

کارگاهی در نیویورک که جان در آنجا زندگی می‌کند.
حدود یک سال و نیم بعد

پرده سوم.

همانجا. چهارماه بعد

پرده چهارم.

اتاق پذیرایی خانه جان در بریجتون. دو سال بعد

::

دوره: امروز



صحنه: اتاق نشیمن خانه ادوارد براون در بریجتون، کانکتیکات. سمت چپ جلوی صحنه دری است که به اتاق غذاخوری باز می شود. عقب تر یک قفسه کتاب و دو پنجره به چشم می خورد که به حیاط پشتی باز می شوند. گوشه صحنه گرامافونی گران قیمت با کشویی برای صفحات دیده می شود. درست در وسط دیوار انتهای اتاق یک شومینه بزرگ و قدیمی با سه پایه های برنجی وجود دارد. در هر دو طرف شومینه پنجره هایی هستند که به باغ باز می شوند. یک صندلی راحتی^۱ گوشه سمت راست و نزدیک پنجره است. جلوتر، یک درگاه بزرگ با درهای کشویی که محکم بسته شده اند به اتاق مخصوص

۱. به آن صندلی موریس (Morris chair) نیز گفته می شود. این نوع صندلی برای اولین بار در سال ۱۸۶۶ توسط فردی به نام ویلیام موریس طراحی و به بازار عرضه شد.

مهمان‌ها منتهی می‌شود. نه یکشنبه است و نه روز تعطیل عمومی. باز هم کمی جلوتر، در جلوی صحنه در کوچکی است که به راهرو باز می‌شود.

وسط طاقچه شومینه ساعتی پاندولی با یک پاندول براق برنجی گذاشته شده است. بقیه طاقچه با پاکت‌های سیگار، یک ظرف تنباکو با تصویر جمجمه و دو استخوان ضربدری^۱، یک جعبه کبریت برنجی و ... پر شده است. فرش بزرگ و تیره تمام کف چوبی اتاق به جز حاشیه‌هایش را پوشانده است. روی فرش میزی چهارگوش دیده می‌شود که چهار یا پنج صندلی راحتی دور و برش چیده شده‌اند. روی میز تعداد زیادی مجله و یک روزنامه و همچنین یک رومیزی به چشم می‌خورد. لبه رومیزی را می‌توان از زیر چراغ مطالعه‌ای که با سیم به لوستر متصل شده، دید. دو صندلی که به ظاهر خیلی خشک می‌آیند برای پر کردن فضای خالی کف استفاده شده‌اند؛ فضایی که احتمالاً از نظر خانم خانه بی‌جهت خالی به نظر می‌آمده است. دیوارها با کاغذ دیواری قرمز مات پوشانده شده‌اند. تابلوهایی از جنس

۱. مانند علامت روی پرچم دزدان دریایی

نقاشی‌های پراز رنگ و لعاب ولی به شدت معمولی مانند "گله گاو در نهر آب" و "طلوع آفتاب در دریاچه" در فاصله‌های یکسان روی دیوار نصب شده تا یکنواختی کاغذ دیواری از بین برود. این نقاشی‌ها در حقیقت طرح‌های ناشیانه‌ای هستند که در قاب‌های پر زرق و برق طلاکاری شده محبوس شده‌اند.

معمولی بودن بیش از حد اتاق منعکس‌کننده روحیات یک آدم به شدت بی ذوق و هنر است. تابش نور یکنواخت چراغ مطالعه به سمت پایین و نگاه جستجوگر چهار لامپ لوستر به شکل شرم‌آوری زشتی اتاق را عیان می‌کنند.

غروب یک روز خیلی گرم در ماه سپتامبر است. تمام پنجره‌ها باز هستند. آقا و خانم براون و پسر بزرگشان، ادوارد، دور میز نشسته‌اند. خانم براون یک زن حدوداً ۵۰ ساله با جثه‌ای کوچک، موهای خاکستری و ظاهری خسته است که سراسر مشکی پوشیده است. سر به زیر به نظر می‌رسد و حالت صدایش به شکلی است که گویی برای حرف زدنش هم عذرخواهی می‌کند.

آقای براون پیرمردی قدبلند و لاغر است که همیشه روی لب‌های لاغرش لبخندی به نشانه خودشیفتگی دیده می‌شود. ۵۸ ساله است. صورتی تراشیده و موهایی کم‌پشت دارد. طوری لباس پوشیده که انگار شهروند مهمی است.

ادوارد مردی بلند قامت و تنومند، با صورتی چاق، موی تیره، چشمان ریز و لب‌ها و گردنی کلفت است. او سی ساله است و دقیقاً طوری لباس پوشیده که از یک نماینده شورا در شهری کوچک انتظار می‌رود.

براون [روزنامه‌ای را که در حال خواندن بود کنار می‌گذارد] خیلی از تبلیغی که اینجا گذاشتی خوشم نیومد، اد.

ادوارد [با جدیت توأم با احترام] مشکلتش چیه پدر؟ [با وقار] من خودم نوشتمش.

براون [بی‌احساس] می‌دونم خودت نوشتیش. از همه جای آگهی می‌شه فهمید که کار خودته. بیش از حد طولانی و جدیه. بهتره بگم بی‌روحه.

- راهزنان / فردریک شیلر / مترجم: علیرضا کوشک جلالی (نامزد دهمین دورهٔ انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش ترجمه)
- باد زرد «وینسنت ونگوگ» - تولدی دیگر / علیرضا کوشک جلالی
- استخوان ماهی جادویی - بچه‌های دریا - راز پروانه‌ها - هاپچه - سیزده نمایشنامه کوتاه و کم حرف (پانتومیم) - علاءالدین و غول چراغ جادو - افسانهٔ ماردوش - ماجرای دختری که شاید شاهزاده خانم بود - یک سیب برای دو نفر! / منوچهر اکبرلو
- هینکه من / ارنست توللر / مترجم: ایرج زُهری
- رگ / ایوب آقاخانی
- صبا - ذبیح - خواستگاران مهری / صبوره رنگرز / مقدمه: دکتر عطاالله کوپال
- قند خون - کمیته نان / لیلی عاج
- چند سال پیش / کهبید تاراج
- مسافر اتاق شماره ۳۷ - سزارین - ژرژت مشکی / هومن بنائی / مقدمه: جهانگیر هدایت
- آشوبتس زنان - مربع (نامزد دهمین دورهٔ انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش اقتباسی) / علی صفری
- غبارروبی از خاطرات ماه سیما در بایگانی عدلیه / مجید دیندار
- هیله - هجده / محسن عظیمی
- وارثان / شهرام احمدزاده
- خُدعه و عشق / شیلر / ترجمه یوسف اعتصامی
- تنها گریخته - بزن بریم / کاریل چرچیل / مترجم: پریسا سالاری
- خُر ریاحی / عبدالرزاق عبدالواحد / مترجم: سید مهدی حسینی نژاد
- تک‌گویی‌های مرگ، تک‌گویی‌های عشق / زهره یحیایی
- بیهوده قرمز نشدن / سعید زارع (نامزد دهمین دورهٔ انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش اقتباسی)
- دگردیسی‌ها (مری زیرمن) - ساحلی‌ها (وجدی معوض) - ریپ وان وینکل (ماکس فریش) / مترجم: نازنین میهن
- بندخانه / زهرا مینویی (نامزد دهمین دورهٔ انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی ایران؛ در بخش تالیف)
- تسویه حساب / پوریا عبدی
- رنوی زرد / مهدیس غنی زاده
- از همان شب که خورشید آمد - صبح دی ماه و عطر بهارنارنج / ندا ثابتی
- یک لقمه نان / یوجین اونیل / مترجم: محمدرضا حسن‌زاده جوانیان

- معجزه ماکارونی / فرامرز طالبی
- سه شب بی‌خوابی دیگر / کاریل چرچیل / ترجمه ناهید احمدیان
- استلا / گوته / ترجمه بهنام مشایخی
- ۱۲ نمایشنامهٔ صحنه‌ای و رادیویی از استاد خسرو حکیم رابط

فیلمنامه

- داستان ازدواج / نوآ بامباک / مترجم: حامد سلیمان‌زاده

ادبیات داستانی

- ماخونیک / محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۱۹ و ۲۰)
- طبرخون / محسن فاتحی (نامزد جایزه ادبی مهرگان دوره ۲۱ و ۲۲)
- جوق کلنگان / محسن فاتحی
- زبده‌التواریخ بایسنغری / محسن فاتحی (نامزد چهارمین جایزه کتاب سال در گروه تاریخ - ۱۴۰۱)
- ظفرنامه / تیمور گورکان / محسن فاتحی
- ماهرخ / ایرج افشاری اصل
- شاهد دوم شخص غایب / مهرآه موسوی
- درکات / آرش جواهری
- فانوس به دستان شیلان / حمید نوغانی

نحوه فروش آثار

- مراجعه به سایت نشر آماره به همراه اطلاعات کتابها و پخشیهات ورود به www.nashreamareh.ir پنل کاربری و انتقال کتابها به سبد خرید
- از طریق اپلیکیشن طاقچه (برای تهیهٔ نسخه E-pub)
- تماس تلفنی و پیامکی، واتس آپ و تلگرام با شماره تلفن: ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱